



جلسه: ۱۵
تاریخ: ۱۴۰۲/۰۹/۱۴

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: موارد ملحق به قتل خطئی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

بسم الله الرحمن الرحيم

موارد ملحق به قتل خطئی

چهارمین وظیفه از وظائف حکومت اسلامی، پرداخت دیه در موارد تحقق قتل یا وارد شدن خسارت بدنی به مسلمانان است. مورد اول از این موارد، قتل خطئی است که در صورت رخ دادن آن، پرداخت دیه بر عاقله او واجب خواهد بود و در صورتی که جانی، عاقله نداشته باشد، در بین فقهاء اختلاف وجود دارد. طبق یک قول، پرداخت دیه بر عهده خود جانی ثابت شده و در مرتبه سوم نوبت به پرداخت حکومت اسلامی می شود. قول دیگر این است که در موارد قتل خطئی، پرداخت دیه بر خود جانی واجب نیست و در صورت وجود نداشتن عاقله، دیه مقتول توسط حکومت اسلامی پرداخت خواهد شد.

مواردی وجود دارد که شارع آنها را ملحق به قتل خطئی کرده و حکم خطاء را بر آنها نیز مترتب کرده است. در مباحث پیشین روشن گردید که جنایات اشخاص نابینا و همچنین افراد نابالغین، از مواردی است که ملحق به خطا می شود.

ج: جنایات مجانین

سومین مورد از موارد ملحق به جنایات خطئی، جنایت های اشخاص مجنون است که در صورت پذیرش آن، حتی اگر قتل یا جنایت بدنی که مجنون انجام می دهد، از روی عمد و یا به صورت شبه عمد باشد، ملحق به خطا خواهد شد. در این زمینه ادعای اجماع نیز مطرح شده است.

أدله

در باب الحاق جنایات مجانین به خطا، أدله ای مطرح شده است که عبارتند از:

الف: روایت سکونی

صاحب وسائل این روایت را در کتاب قصاص از شیخ طوسی نقل کرده است، اما در باب عاقله از کتاب دیات، علاوه بر شیخ طوسی، از شیخ صدوق نیز نقل کرده است.

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّ مُحَمَّدَ بْنَ أَبِي بَكْرٍ كَتَبَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع - يَسْأَلُهُ عَنْ رَجُلٍ مَجْنُونٍ قَتَلَ رَجُلًا عَمْدًا فَجَعَلَ الدِّيَةَ عَلَى قَوْمِهِ وَ جَعَلَ خَطَأَهُ وَ عَمْدَهُ سَوَاءً. وَ رَوَاهُ الشَّيْخُ بِإِسْنَادِهِ عَنِ التُّوفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ.^۱

در این روایت نقل شده است که محمد بن ابی بکر که عامل و استاندار امیرالمؤمنین علیه السلام در مصر بوده است، نامه ای به ایشان نوشته و در مورد مجنونی که دیگری را به قتل رسانده، سوال می کند. امیرالمؤمنین علیه السلام دیه مقتول را بر عهده عاقله دانسته و عمد و خطای مجنون را یکسان قرار داده اند. در نتیجه عمد اشخاص مجنون نیز ملحق به خطا می شود و لذا پرداخت دیه بر عاقله او لازم خواهد بود و در صورتی که عاقله نداشته باشد، در مرحله دوم پرداخت دیه بر عهده خود او است و طبق قول دیگر، بر خود جانی پرداخت دیه لازم نیست و توسط حکومت اسلامی پرداخت می شود.

۱. وسائل الشیعة ۲۹: ۴۰۱.



جلسه: ۱۵
تاریخ: ۱۴۰۲/۰۹/۱۴

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: موارد ملحق به قتل خطئی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

روایت سکونی از جهت دلالت روشن و واضح است، اما به لحاظ سند دچار اشکال است؛ چون شیخ طوسی این روایت را با اسناد خودش از نوفلی نقل کرده است. اما در مشیخه، طریقی به نوفلی ذکر نکرده است و لذا اگر خصوص مشیخه تهذیبی در نظر گرفته شود، این روایت مرسل خواهد بود.

البته شیخ طوسی در پایان مشیخه خود بیان کرده است که طرق ذکر شده در مشیخه تهذیب، بخشی از طرق ایشان است و تفصیل آنها در کتاب فهرست، ذکر شده است. از طرف دیگر شیخ طوسی در کتاب فهرست، برای نوفلی طریق ذکر کرده است که این چنین است: «الحسین بن یزید النوفلی له کتابٌ. عدة من أصحابنا عن ابی المفضل عن ابن بطة عن احمد بن ابی عبدالله عنه»^۱. با توجه به اینکه افرادی که ابتدای اسناد تهذیب قرار دارند، صاحب کتاب هستند، به صرف اینکه ایشان در فهرست طریق به کتاب شخصی ذکر کرده باشد، کافی است و لازم نیست که به روایات نیز طریق داشته باشد. بنابراین شیخ طوسی به نوفلی طریق دارد، اما طریق ایشان مشتمل بر دو راوی است که توثیق ندارند بلکه تضعیف هم دارند. یکی از این افراد، ابی المفضل شیبانی است و دیگری ابن بطة است. بنابراین طریق شیخ طوسی به نوفلی که در فهرست ذکر کرده است، ضعیف است الا اینکه این اشکال از راه تعویض سند برطرف گردد؛ چون راوی از «نوفلی»، «احمد بن ابی عبدالله برقی» است و شیخ طوسی به همه کتابها و روایات «احمد بن ابی عبدالله برقی»، طریق صحیح دارد. کتاب نوفلی نیز از جمله روایات احمد بن ابی عبدالله برقی است. بنابراین از طریقی که شیخ طوسی به روایات و کتابهای احمد بن ابی عبدالله برقی دارد، استفاده می شود و از این طریق، روایات نوفلی تصحیح می شود. بنابراین سند روایت تا نوفلی تصحیح می شود، اما همچنان مشکل سندی باقی است؛ چون نوفلی و سکونی محل بحث هستند و در مباحث پیشین روشن گردید که توثیق آنها محل کلام است و این مطلب در مورد نوفلی جدی تر است. تاکنون روشن گردید که سند شیخ طوسی قابل اعتماد نیست. در مورد سند شیخ صدوق نیز قابل اشاره است که تا نوفلی مشکلی ندارد، اما به لحاظ نوفلی و سکونی با اشکال مواجه است.

بنابراین این روایت اگرچه به لحاظ دلالتی تمام است و به روشنی قتل عمدی مجنون را ملحق به قتل خطئی کرده است، اما سند آن ضعیف بوده و قابل اعتماد نیست.

ب: روایت برید بن معاویه

دومین روایت برای الحاق قتل عمدی مجنون به قتل خطئی، روایت برید بن معاویه است:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ خَضِرِ الصَّيْرَفِيِّ عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مَعَاوِيَةَ الْعِجْلِيِّ قَالَ: سَأَلَ أَبُو جَعْفَرٍ عَنْ رَجُلٍ قَتَلَ رَجُلًا عَمْدًا فَلَمْ يَقُمْ عَلَيْهِ الْحَدُّ وَ لَمْ تَصِحَّ الشَّهَادَةُ عَلَيْهِ حَتَّى خُولِطَ وَ عَقَلَهُ ثُمَّ إِنَّ قَوْمًا آخِرِينَ شَهِدُوا عَلَيْهِ بَعْدَ مَا خُولِطَ أَنَّهُ قَتَلَهُ فَقَالَ إِنْ شَهِدُوا عَلَيْهِ أَنَّهُ قَتَلَهُ حِينَ قَتَلَهُ وَ هُوَ صَحِيحٌ لَيْسَ بِهِ عِلَّةٌ مِنْ فَسَادِ عَقْلِ قَتَلَهُ بِهِ وَ إِنْ لَمْ يَشْهَدُوا عَلَيْهِ بِذَلِكَ وَ كَانَ لَهُ مَالٌ يُعْرَفُ دُفِعَ إِلَى وَرَثَةِ الْمُقْتُولِ الدِّيَّةُ مِنْ مَالِ الْقَاتِلِ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ مَالٌ أُعْطِيَ الدِّيَّةُ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ وَ لَا يَبْطُلُ دَمُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ.^۲

این روایت در مورد شخصی است که مرتکب قتل شده، اما انجام قتل توسط او اثبات نمی شود تا اینکه قاتل مجنون می شود. اما بعد از مجنون شدن، عده ای شهادت می دهند که آن شخص مرتکب قتل شده است. امام باقر علیه السلام فرموده اند: اگر شهادت شاهدان به این صورت باشد که قتل قبل از دیوانه شدن او رخ داده است، قاتل در همان حال جنون قصاص می شود. اما اگر شاهدین زمان قتل را تعیین نکنند بلکه

۱. فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول ۱۵۲.

۲. وسائل الشیعة ۲۹: ۷۲.



صرفا اصل قاتل بودن او را بیان کنند، در صورتی که قاتل مال داشته باشد، دیه مقتول از مال او پرداخت می شود تا حق ورثه مقتول باطل نشود. در صورتی هم که قاتل مال نداشته باشد، دیه مقتول از بیت المال پرداخت می شود. بر اساس این روایت، قتلی که احتمال وقوع آن در زمان جنون داده می شود، ملحق به قتل خطئی شده است و به طریق اولی قتلی که قطعاً در زمان جنون واقع شده باشد، ملحق به قتل خطئی خواهد شد.

این روایت توسط شیخ کلینی، شیخ صدوق^۱ و شیخ طوسی^۲ نقل شده است و سند آنها تا ابن محبوب با مشکلی مواجه نیست، اما بعد از ایشان، خضر صیرفی قرار دارد که توثیق ندارد الا اینکه وجوه عامه ای همچون وقوع در کافی و یا نقل کردن ابن محبوب از او مورد استناد قرار گیرد. بنابراین تنها اشکال در این روایت، به لحاظ خضر صیرفی است.

ج: روایت ابوالبختری

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ فِي قُرْبِ الْإِسْنَادِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ السُّنْدِيِّ عَنْ أَبِي الْبَخْتَرِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ ع أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ فِي الْمَجْنُونِ وَالْمَعْتُوهِ^۳ الَّذِي لَا يُفِيقُ وَالصَّبِيِّ الَّذِي لَمْ يَبْلُغْ عَمْدُهُمَا خَطَأً تَحْمِلُهُ الْعَاقِلَةُ وَقَدْ رُفِعَ عَنْهُمَا الْقَلَمُ.^۴

در این روایت به صراحت اشاره شده است که عمد مجانین و همچنین صبیان در حکم خطا است و بر عهده عاقله آنها خواهد بود. بر اساس ادله دیگر، در صورتی که عاقله وجود نداشته باشد، بر عهده حکومت اسلامی خواهد بود.

سند این روایت به جهت ابوالبختری که همان وهب بن وهب است که کذاب بوده ضعیف است. علاوه بر اینکه این روایت از کتاب عبدالله بن جعفر نقل شده است و کتاب عبدالله بن جعفر که شیخ طوسی از آن روایت نقل کرده است، مشکلی نداشته است، اما کتاب عبدالله بن جعفر که صاحب وسائل از آن نقل کرده، ثابت نیست.

د: صحیح محمد بن مسلم

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع يَجْعَلُ جَنَايَةَ الْمَعْتُوهِ عَلَى عَاقِلَتِهِ خَطَأً كَانَ أَوْ عَمْدًا.^۵

این روایت نیز جنایات مجانین را بر عهده عاقله قرار داده است.

سند این روایت صحیح است و می تواند مورد استناد قرار گیرد. علاوه بر اینکه ممکن است ادعا شود که تاکنون به چهار روایت اشاره گردید که مجموع آنها مستفیض هستند و وثوق به صدور مضمون آنها ایجاد می شود و روایت موثوق الصدور حجت است. خصوصاً اینکه بر اساس مضمون آنها ادعای اجماع نیز مطرح شده است. نتیجه این است که سومین مورد از موارد ملحق شده به قتل خطئی، جنایات مجنون است.^۶

۱. من لایحضره الفقیه ۴: ۱۰۶.

۲. تهذیب الاحکام ۱۰: ۲۳۲.

۳. تعبیر «معتوه» به معنای «ناقص العقل» است. اما با توجه به اینکه در کنار آن از لفظ «مجنون» نیز استفاده شده است، به همان معنا است.

۴. وسائل الشیعة ۲۹: ۹۰.

۵. وسائل الشیعة ۲۹: ۴۰۰.

۶. در اینجا ممکن است ادعا شود که حتی اگر روایات مربوط به الحاق جنایات مجنون به خطا، معتبر نباشند، با توجه به اینکه این مطلب در مورد صبیان ثابت شده است و از طرف

دیگر صبیان و مجانین در اکثر احکام یکسان هستند، کشف می شود که جنایات عمدی مجانین نیز ملحق به خطا می شود.



جلسه: ۱۵
تاریخ: ۱۴۰۲/۰۹/۱۴

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: موارد ملحق به قتل خطئی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

د: جنایت اشخاص نائم

چهارمین مورد از موارد ملحق به جنایات خطئی، قتل اشخاص در حال خواب است. به عنوان مثال کسی در پشت بام خوابیده باشد و بعد از غلطیدن، روی دیگری بیفتد و موجب کشته شدن او گردد، قتل خطئی خواهد بود کما اینکه اگر مادری در خواب غلط زده و موجب کشته شدن نوزاد گردد، قتل او خطئی محسوب می شود.

در صورتی که قتل اشخاص نائم، قتل خطئی باشد، پرداخت دیه بر عهده عاقله خواهد بود و بعد از آن، طبق یک قول بر عهده حکومت اسلامی واجب است و طبق قول دیگر ابتدا بر عهده خود جانی ثابت می شود و در صورتی که توان پرداخت نداشته باشد، بر حکومت اسلامی واجب می شود. اما اگر قتل اشخاص نائم شبه عمد محسوب شود، پرداخت دیه بر عهده خود جانی خواهد بود. در مورد الحاق قتل اشخاص نائم به شبهه عمد و یا خطا اختلاف وجود دارد. صاحب جواهر در این زمینه فرموده اند:

لا قود علی النائم بل الإجماع بقسمیه علیه لعدم القصد الذی یدرجه فی اسم العمد و کونه معذورا فی سببه و لکن علیه الدیة فی ماله عند الشیخین و یحیی بن سعید و الفاضل علی ما حکى عن بعضهم بل عن السرائر نسبته الی اصحابنا قال: «لأنهم جميعا یوردونه فی ضمان النفوس، و ذلك لا تحمله العاقلة بلا خلاف» لأنه شبیهه عمد، و للمرسَل المنجبر بما سمعت، و لأصالة الضمان علی المتلف دون غیره، و علی العاقلة عند أكثر المتأخرین، بل قیل: عامتهم حتی المصنف فی کتاب الدیات، لأنه خطأ محض فی الفعل و القصد.^۱

بر اساس این عبارت، در مورد قتلی که شخص در حال خواب مرتکب می شود، دو قول وجود دارد که قول اول آن را شبهه عمد دانسته است. اما قول دیگر که توسط متأخرین مطرح شده است، خطئی محسوب می شود. به نظر ما بعید نیست که حق با متأخرین باشد؛ چون شخص وقتی در حال خواب باشد، اساساً قصد و اراده ندارد و لذا از نظر عرفی، افعال او خطای محض است. مؤید بر این مطلب، روایتی است که توسط محمد بن مسلم نقل شده است:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَسْلَمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ الْجَهْمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَ إِيمَا ظَنَرِ قَوْمٍ قَتَلَتْ صَبِيًّا لَهُمْ وَ هِيَ نَائِمَةٌ فَقَتَلَتْهُ فَإِنَّ عَلَيْهَا الدِّيَةَ مِنْ مَالِهَا خَاصَّةً إِنْ كَانَتْ إِيمَا ظَاءَرَتْ طَلَبَ الْعِزِّ وَ الْفَخْرِ وَإِنْ كَانَتْ إِيمَا ظَاءَرَتْ مِنَ الْفَقْرِ فَإِنَّ الدِّيَةَ عَلَى عَاقِلَتِهَا.^۲

این روایت مربوط به دایه ای است که در حال خواب موجب کشته شدن نوزاد شده است. امام باقر علیه السلام در مورد او فرموده اند: اگر به دنبال دست یابی به جایگاه و شرافت بوده باشد، پرداخت دیه از مال خود او صورت می گیرد. اما در صورتی که پذیرش دایگی به جهت فقر بوده باشد، دیه مقتول توسط عاقله او پرداخت خواهد شد که پرداخت دیه توسط عاقله به معنای خطئی بودن قتل است. بنابراین جنایتی که در خواب صورت می گیرد، خطئی است، با این تفصیل که اگر به جهت شرافت بوده باشد، پرداخت دیه بر عهده خود جانی است، اما اگر به جهت فقر باشد، بر عهده عاقله است.

پاسخ این است که اگر روایات مربوط به الحاق عمد مجانین به خطا قابل استناد نباشد، نمی توان از الحاق صبی استفاده کرده و در مجانین نیز استفاده کرد؛ چون این تسری حکم قیاس است که در کلام اهل بیت علیهم السلام به شدت مورد نهی واقع شده است. تنقیح مناط نیز ممکن نیست؛ چون فرضاً امکان دست یابی به ملاک در مورد صبیان وجود داشته و همان ملاک در مجانین هم باشد، احتمال داده می شود که در مورد مجانین مانعی وجود داشته باشد.

۱. جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام ۴: ۱۸۸.

۲. وسائل الشیعة ۲۹: ۲۶۵.



این روایت علاوه بر محمدون ثلاث، توسط برقی نیز نقل شده است. صاحب وسائل در این زمینه فرموده است: «مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ مِثْلَهُ. وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ نَائِحَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مِثْلَهُ. وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَسْلَمَ الْجَبَلِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ وَ غَيْرِهِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَاعِ مِثْلَهُ. وَ رَوَاهُ الصَّدُوقُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ نَائِحَةَ. وَ رَوَاهُ الْبَرْقِيُّ فِي الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ الْجَهْمِ مِثْلَهُ»^۲

ب: قتل شبه عمد

تاکنون روشن شد قتل خطئی یکی از مواردی است که پرداخت دیه آن بر عهده حکومت اسلامی است. مورد دیگر که پرداخت دیه آن بر عهده حکومت اسلامی است، قتل شبهه عمد است.
در مورد قتل شبهه عمد دو احتمال وجود دارد:

۱- قتل شبهه عمد موضوع مستقلاً در عداد قتل خطئی و قتل عمدی است و تقسیم برای آنها محسوب می شود.

طبق این احتمال، قتل به سه قسم تقسیم می شود که عبارتند از: عمد، شبهه عمد و خطا. دیه قتل خطئی بر عهده عاقله و حکومت اسلامی است. در قتل عمد نیز قصاص صورت می گیرد. قتل شبهه عمد نیز حکم خاص خود را خواهد داشت.

۲- قتل شبهه عمد قسمی از اقسام قتل خطئی است و تقسیم آن نیست.

بر اساس این احتمال، تقسیم برای قتل دیگر ثلاثی نیست بلکه ثنائی است؛ یعنی قتل به دو قسم خطئی و عمدی تقسیم می شود و خود قتل خطئی نیز به دو قسم تقسیم می شود که عبارتند از: قتل خطئی محض، قتل خطئی شبهه عمد.

روایات دال بر الحاق قتل شبهه عمد به خطا

روایاتی وجود دارد که از آنها استفاده می شود که قتل شبهه عمد نیز خطئی محسوب می شود.

اگر مفاد این روایات پذیرفته شود، باید أدله دال بر اینکه پرداخت دیه قتل خطئی بر عهده حکومت اسلامی است، مورد بررسی قرار گیرد. در صورتی که آن أدله شامل قتل شبهه عمد نیز بشود، دیگر قتل شبهه عمد مورد دوم برای وظائف حکومت محسوب نمی شود بلکه وظیفه حکومت اسلامی پرداخت دیه در موارد قتل خطئی است که این موضوع عام بوده و شامل قتل خطئی محض و قتل شبهه عمد می شود. اما اگر موضوع أدله ای که پرداخت دیه را بر حکومت اسلامی لازم دانسته اند، اختصاص به قتل خطئی محض داشته باشد، قتل شبهه عمد باید جداگانه بررسی شود تا مشخص شود که در موارد شبهه عمد نیز پرداخت دیه بر عهده حکومت اسلامی است و یا اینکه حکومت اسلامی در این موارد وظیفه ای ندارد.

روایاتی که قتل را به دو قسم عمد و خطا تقسیم کرده است، بسیار زیاد است که در مباحث پیشین به تعدادی از آنها اشاره گردید که مفاد آنها یکسان بودن قتل خطئی و عمدی در اشخاص نابینا، صبیان و مجانین است. در همه این روایات صرفاً عمد و خطا در مورد قتل بیان شده است. از طرف دیگر قتل شبهه عمد، مسلماً داخل در قتل عمد نیست. بنابراین طبق این تقسیم، قتل شبهه عمد داخل در قتل خطئی می شود.

علاوه بر روایات ذکر شده، روایات دیگری نیز قابل اشاره است که قتل را به دو قسم تقسیم کرده است. این روایات عبارتند از:

۱. در برخی نسخه ها به صورت «ناجیه» آمده است.

۲. وسائل الشیعة ۲۹: ۲۶۵.



جلسه: ۱۵
تاریخ: ۱۴۰۲/۰۹/۱۴

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: موارد ملحق به قتل خطئی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

الف: روایت ابی العباس

وَعَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ وَعَنْ حُمَيْدِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ جَمِيعاً عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْمِثَمِيِّ عَنْ أَبَانَ
عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ أَرُمِي الرَّجُلَ بِالسَّيِّءِ الَّذِي لَا يَقْتُلُ مِثْلَهُ قَالَ هَذَا خَطَأٌ ثُمَّ أَخَذَ حَصَاةً
صَغِيرَةً فَرَمَى بِهَا قُلْتُ أَرُمِي الشَّاةَ فَأُصِيبُ رَجُلًا قَالَ هَذَا الْخَطَأُ الَّذِي لَا شَكَّ فِيهِ وَالْعَمْدُ الَّذِي يَضْرِبُ بِالسَّيِّءِ الَّذِي
يَقْتُلُ بِمِثْلِهِ.^۱

در این روایت از امام صادق علیه السلام در مورد پرتاب کردن چیزی که نوعاً موجب قتل نمی شود، سوال شده است. امام صادق علیه السلام فرموده اند: در صورتی که قتل رخ دهد، خطا محسوب می شود. در ادامه روایت از فرضی سوال شده است که شخص قصد تیر زدن به گوسفندی را داشته است و آن تیر به انسانی برخورد کرده و موجب قتل رسیدن او می شود. امام علیه السلام در پاسخ فرموده اند: این قتل خطای محض است و قتل عمد در صورتی است که قاتل با چیزی مانند اسلحه یا کلنگ که نوعاً موجب قتل است، ضربه بزند. بنابراین روایت برای قتل دو قسم ذکر کرده است که عمد و خطا است ولی خود خطا دارای دو قسم است. یک قسم آن خطای محض است که در آن اصلاً قصد زدن هم نیست. قسم دیگر نیز خطائی است که قصد زدن وجود داشته است، اما ضارب با چیزی ضربه زده است که نوعاً کشنده نیست. بنابراین عنوان خطا بر هر دو صادق است.

ب: روایت دوم از ابی العباس

وَعَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ الْحُصَيْنِ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ عَنْ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْخَطَأِ الَّذِي فِيهِ الدِّيَّةُ وَالْكَفَّارَةُ أَوْ هُوَ أَنْ يَعْتَمِدَ ضَرْبَ رَجُلٍ وَلَا يَعْتَمِدَ قَتْلَهُ فَقَالَ نَعَمْ قُلْتُ
رَمَى شاةً فَأَصَابَ إِنْسَانًا قَالَ ذَلِكَ الْخَطَأُ الَّذِي لَا شَكَّ فِيهِ عَلَيْهِ الدِّيَّةُ وَالْكَفَّارَةُ.^۲

ج: روایت ابی العباس و زراره

وَبِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ وَ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ الْعَمْدَ أَنْ يَتَعَمَّدَهُ
فَيَقْتُلُهُ بِمَا يَقْتُلُ مِثْلَهُ وَالْخَطَأَ أَنْ يَتَعَمَّدَهُ وَلَا يُرِيدُ قَتْلَهُ يَقْتُلُهُ بِمَا لَا يَقْتُلُ مِثْلَهُ وَالْخَطَأُ الَّذِي لَا شَكَّ فِيهِ أَنْ يَتَعَمَّدَ شَيْئاً
آخَرَ فَيُصِيبُهُ.^۳

در این روایت و روایت پیشین نیز به دو قسم قتل خطئی اشاره شده است.

۱. وسائل الشیعة ۲۹: ۳۷.

۲. وسائل الشیعة ۲۹: ۳۸.

۳. وسائل الشیعة ۲۹: ۴۰.



جلسه: ۱۵
تاریخ: ۱۴۰۲/۰۹/۱۴

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: موارد ملحق به قتل خطئی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

د: روایت زراره

وَعَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: إِنَّ الْخَطَأَ أَنْ تَعْمِدَهُ وَ لَا تُرِيدَ قَتْلَهُ بِمَا لَا يَقْتُلُ مِثْلَهُ وَ الْخَطَأُ لَيْسَ فِيهِ شَكٌّ أَنْ تَعْمِدَ شَيْئًا آخَرَ فَتُصِيبُهُ.^۱

ه: روایت عبدالرحمن بن حجاج

وَعَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي حَدِيثٍ قَالَ: إِنَّمَا الْخَطَأُ أَنْ تُرِيدَ شَيْئًا فَتُصِيبَ غَيْرَهُ فَأَمَّا كُلُّ شَيْءٍ فَصَدَّتْ إِلَيْهِ فَأَصَبَتْهُ فَهُوَ الْعَمْدُ.^۲

و: مرسله ابراهیم بن هاشم از عبدالله بن سنان

وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع فِي الْخَطَأِ شِبْهُ الْعَمْدِ أَنْ تَقْتُلَهُ بِالسَّوِطِ أَوْ بِالْعَصَا أَوْ بِالْحِجَارَةِ إِنَّ دِيَةَ ذَلِكَ تُغْلَظُ وَ هِيَ مِائَةٌ مِنَ الْإِبِلِ الْحَدِيثُ.^۳

در این روایت تعبیر شبه عمد به کار رفته است، اما آن را با قید خطا ذکر کرده است؛ لذا روشن می شود که در مورد خطا و شبه عمد، تعبیر خطا به کار برده می شود، اما یکی از آنها قید دارد که «لاشک فیه» که از آن خطای محض تعبیر می شود.

بررسی شمول روایات دال بر لزوم پرداخت دیه قتل خطئی توسط حکومت، نسبت به قتل شبه عمد

تاکنون روشن گردید که در روایات، قتل به دو قسم عمد و خطا تقسیم می شود و از آنها می توان استفاده کرد که قتل خطئی شامل قتل شبه عمد هم می شود. اما مطلب دیگر که نیازمند بررسی است، شمول روایات دال بر لزوم پرداخت دیه قتل خطئی توسط حکومت، نسبت به قتل شبه عمد است. در این زمینه تعابیری همچون «عمد الصبی خطأ تحمله العاقله» مطرح شده است. برخی از این روایات عبارتند از:

الف: مرسله یونس بن عبدالرحمن

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَمَّنْ رَوَاهُ عَنْ أَحَدِهِمَا ع أَنَّهُ قَالَ: فِي الرَّجُلِ إِذَا قَتَلَ رَجُلًا خَطَأً فَمَاتَ قَبْلَ أَنْ يَخْرُجَ إِلَى أَوْلِيَاءِ الْمَقْتُولِ مِنَ الدِّيَةِ أَنَّ الدِّيَةَ عَلَى وَرَثَتِهِ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ عَاقِلَةٌ فَعَلَى الْوَالِي مِنَ يَتَّ الْمَالِ.^۴

این روایت تعبیر قتل خطئی به کار برده است که این تعبیر اطلاق دارد و شامل هر دو قسم از قتل خطئی که در روایات پیشین مطرح شد، می شود. در نتیجه در این روایت بر همان قتلی که در کلام فقها از آن با عنوان شبه عمد یاد شده است، عنوان خطا اطلاق شده است؛ چون در روایت تقیید نزده است که خطائی باشد که لاشک فیه باشد بلکه صرفاً از تعبیر خطا استفاده کرده است. بنابراین صغرو یا قتل شبه عمد خطئی است و این روایت نیز به صورت کبروی پرداخت دیه در قتل خطئی را بر عهده حکومت اسلامی قرار داده است. الا اینکه با توجه به فهم فقهاء

۱. همان.

۲. همان.

۳. وسائل الشیعة ۲۹: ۳

۴. وسائل الشیعة ۲۹: ۳۹۷.



که قتل شبه عمد را ملحق به خطا نکرده اند و از طرف دیگر، پرداخت دیه توسط بیت المال خلاف اصل است^۱، ادعا شود که روایت منصرف به خطای محض است.

البته این روایت از جهت سندی مرسل است الا اینکه ادعا شود که یونس بن عبدالرحمن جزو اصحاب اجماع است و روایت کردن اصحاب اجماع برای صحت روایت کافی است؛ چون مروی عنه آنها ثقه است و یا اینکه حتی اگر مروی عنه آنها ثقه نباشد، فقها اجماع کرده اند که روایت آنها صحیح است. اگر یکی از این دو مبنا اتخاذ شود، روایت صحیح می شود. اما اگر پذیرفته نشود، این روایت از نظر سندی حجت نیست.

ب: صحیح حلی

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ الْحَلِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ رَجُلٍ ضَرَبَ رَأْسَ رَجُلٍ بِمِعْوَلٍ فَسَأَلَتْ عَيْنَاهُ عَلَى خَدَيْهِ فَوَثَبَ الْمَضْرُوبُ عَلَى صَارِيهِ فَقَتَلَهُ قَالَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع هَذَانِ مُتَعَدِّيَانِ جَمِيعاً فَلَا أَرَى عَلَى الَّذِي قَتَلَ الرَّجُلَ قَوْدًا لِأَنَّهُ قَتَلَهُ حِينَ قَتَلَهُ وَهُوَ أَعْمَى وَالأَعْمَى جِنَايَتُهُ خَطَأٌ يَلْزَمُ عَاقِلَتَهُ يُؤْخَذُونَ بِهَا فِي ثَلَاثِ سِنِينَ فِي كُلِّ سَنَةٍ نَجْمًا فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لِلأَعْمَى عَاقِلَةٌ لَزِمَتْهُ دِيَةٌ مَا جَنَى فِي مَالِهِ يُؤْخَذُ بِهَا فِي ثَلَاثِ سِنِينَ وَيَرْجِعُ الأَعْمَى عَلَى وَرَثَةِ صَارِيهِ بِدِيَةِ عَيْنَيْهِ.^۲

در این روایت تعبیر «الأعمى جنایته خطأ يلزم عاقلته» به کار رفته است که صغریا جنایت اعمی را خطا دانسته است و پرداخت دیه را نیز بر عاقله او ثابت کرده است. بنابراین کبرای مستفاد از این روایت این است که قتل خطئی بر عهده عاقله است. وقتی عمد نابینا ملحق به خطا باشد، اطلاق روایت نسبت به قتل خطئی که در آن قاتل اصلاً قصد کشتن ندارد، مسلم می شود.

ج: روایت اسحاق بن عمار

وَإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْخَشَّابِ عَنْ غِيَاثِ بْنِ كَلُوبٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ أَنَّ عَلِيَّاً كَانَ يَقُولُ عَمْدُ الصَّبِيَّانِ خَطَأٌ (يُحْمَلُ عَلَى) الْعَاقِلَةِ.^۳

از این روایت نیز صغری و کبری استفاده می شود که «عمد الصبیان خطأ» و «الخطأ يحمل على العاقله». نتیجه این صغری و کبری این چنین است که «عمد الصبیان يحمل على العاقله». پس مستفاد از این روایت این است خطا بر عاقله حمل می شود که این مطلب اطلاق دارد.

د: روایت عبدالله بن سنان

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: فِي مَكَاتِبٍ قَتَلَ رَجُلًا خَطَأً قَالَ عَلَيْهِ [مِنْ] دِيَّتِهِ بِقَدْرِ مَا أُعْتِقَ وَ عَلَى مَوْلَاهُ مَا بَقِيَ مِنْ قِيمَةِ الْمَمْلُوكِ فَإِنْ عَجَزَ الْمَكَاتِبُ فَلَا عَاقِلَةَ لَهُ إِنَّمَا ذَلِكَ عَلَى إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ.^۴

۱. پرداخت دیه توسط حکومت اسلامی به این جهت خلاف اصل است که بر هر کسی لازم است که خودش دیه پرداخت کند.

۲. وسائل الشیعة ۲۹: ۳۹۹.

۳. وسائل الشیعة ۲۹: ۴۰۰.

۴. وسائل الشیعة ۲۹: ۲۱۳.



جلسه: ۱۵
تاریخ: ۱۴۰۲/۰۹/۱۴

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: موارد ملحق به قتل خطئی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

موضوع این روایت قتل خطئی است و در آن مطرح شده است که اگر عبد مکاتبی مرتکب قتل شده باشد، به مقداری که آزاد شده است، پرداخت دیه بر عهده خود است و به مقداری که آزاد نشده است، توسط مولی پرداخت می شود. اما در صورتی که خود او توان پرداخت نداشته باشد، بر امام مسلمین لازم است که پرداخت کند.

تاکنون روشن گردید که عنوان «خطا» در روایات متعددی ذکر شده است که این عنوان بر خطای محض و شبه عمد صادق است. بنابراین اگر مخالفت با فتوای فقها موجب احتیاط نگردد، باید بگوئیم که قتل شبه عمد، مصداقی از قتل خطئی است که در آن پرداخت دیه بر عهده عاقله است.

تاکنون روشن گردید که بعید نیست که قتل شبه عمد ملحق به قتل خطئی باشد. اما فرضاً به جهت فتاوی فقها گفته شود که شبه عمد مستقل است، طبق نظریه ای که دیه در قتل خطئی بر عهده عاقله است، و اگر نبود بر عهده خودش و بعد بر عهده بیت المال است، در بحث فعلی مشکلی ایجاد نمی کند؛ چون نهایت امر این چنین می شود که پرداخت دیه بر عهده خود جانی است و بر عهده عاقله نیست. اما اگر خودش پرداخت نکند، برای اینکه خون مسلمان باطل نشود، بر حکومت اسلامی لازم است که دیه مقتول را پرداخت کند. بنابراین تأثیری در لزوم پرداخت دیه توسط بیت المال ندارد بلکه در افراد بیشتری بر حکومت اسلامی لازم می شود که دیه پرداخت کند؛ چون در قتل های خطئی یک مرتبه از مراتب این است که عاقله پرداخت کند و اگر وجود نداشته باشد و یا نداشته باشند، نوبت به خود شخص یا حکومت اسلامی می شود. به هر حال بخشی از دیه های قتل های خطئی توسط عاقله پرداخت می شود، اما اگر قتل شبه عمد ملحق به قتل خطئی نشود، دیگر در هیچ شرائطی پرداخت دیه بر عاقله لازم نمی شود و در نتیجه تعداد دیه هایی که باید حکومت پرداخت کند، بیشتر خواهد شد. علاوه بر اینکه اگر در قتل های شبه عمد، پرداخت دیه بر عهده خود جانی ثابت شده باشد، در صورتی که او فرار کند، مجدداً وظیفه حکومت اسلامی خواهد شد که دیه مقتول را پرداخت کند تا خون او باطل نگردد. در حالی که اگر قتل خطئی محسوب شود، دیه از عاقله گرفته می شود. بنابراین یکی از مصارف بیت المال، دیه قتل های شبه عمد است.